

جلسه هفتم سرکار خانم ریحانی

بسم الله الرحمن الرحيم انه هو خير ناصر و معين.

سلام عرض می‌کنم خدمت مادران عزیز.

در بحث مباحث جنسی بودیم. گفتیم که در رابطه با اخلاق جنسی، تربیت جنسی دوره نوجوانی، گفتیم کسانی که فوق‌العاده نقش تأثیرگذار و مدیریتی در این دوران دارند، والدین و مربیانی هستند که در ارتباط با نوجوان هستند. حالا این‌ها چگونه نقش خودشان را ایفا می‌کنند، چند محور را در اینجا مطرح کردیم. یکی ارتباط محبت‌آمیزی که والدین با فرزندشان دارند، در این زمان این ارتباط بیشتر باید حالت همدلی، گفتگو، و این‌که چالش‌ها را در کنار بچه‌ها قرار بگیرند نه در مقابل‌شان؛ یعنی این‌که شما شاید در ۷ سال قبل، خیلی راحت می‌توانستید از حالت مدیریتی خودتان به شکل از بالا به پایین، یعنی حالتی که بخواهید مثلاً مطرح بکنید و مطالبه بکنید که فرزندان انجام بدهند، منتها از این سن به بعد، در واقع سنی هست که بچه‌ها دقیقاً دارند وارد مرحله‌ای می‌شوند که در این مرحله خیلی از چیزها برایشان وارد یک دنیای دیگری انگار دارند می‌شوند، که در این دنیایی که وارد شدند، خیلی مسائل گنگ برایشان وجود دارد، خیلی احساسات نزدیکی که به هر حال خیلی برایشان شناخته شده نیست. از یک طرفی هم حس لذت بخشی به آن‌ها می‌دهد. این‌ها وارد یک وادی دارند می‌شوند که انگار از جمیع جهات دارند برایشان کشش ایجاد می‌کنند. پس بنابراین، نوع ارتباط والدین با بچه‌ها در این سن، و مربیان و حتی کسانی که با بچه‌ها ارتباط دارند، فوق‌العاده مؤثر خواهد بود در این‌که به هر حال بچه‌ها دوران بلوغ‌شان، دوران بلوغ جنسی مناسبی را پشت سر بگذارند. اگر خاطرتان باشد ما راجع به بحث هویت صحبت کردیم. گذرا در مورد هویت جنسی هم صحبت کردیم. منتهای مراتب تأثیر بحث هویت جنسی، در واقع اهمیت‌اش و شکل‌دهی در شخصیت فرزند، دقیقاً در این قسمت هست که فوق‌العاده مهم است. گفتیم در بحث هویت، ما ابعاد مختلفی در هویت داریم که هویت جنسی، یک بخشی است. هویت جنسی یعنی فرد خودش را متعلق به یک جنس بداند، که من که هستم، بنابراین هویت به معنای شناختن خود است که در واقع اولین بُعد از هویت، بُعد انسانی آن است. مثلاً شاید شما در سریال ابوعلی سینا دیدید که یک فردی بود می‌گفت من گاوم.

یعنی در واقع آن بخش هویت انسانی آن بیمار دچار مشکل شده، بُعد دوم هویت انسان، هویت جنسی است. بُعد مَنَسی داریم که بعد شخصیتی انسان است. بعد چهارم، بعد فرهنگی است که مربوط به دین و اجتماع است. بعد پنجم هم بعد شغلی است و بعد تحصیلی. یعنی در واقع اگر فردی بداند براساس یافته‌هایی که از خودش دارد در این بُعد خودش را تعریف کند می‌گوییم هویت‌اش به طور کامل شکل گرفته، به عنوان مثال اگر فردی مرد

باشد ولی احساسات زنانه داشته باشد و خودش را زن بداند یا برعکس، در واقع دچار یک نوع اختلال در هویت جنسی اش شده است. اینجا برایمان مهم است.

قبل از این که بچه در آستانه بلوغ قرار بگیرد قبل از آن که آن تغییرات را ببیند و غافلگیر و نگران بشود ما به این مطلب اذعان داریم و ایمن داشته باشیم یک اطلاعاتی را در اختیار نوجوانان قرار دهیم و آن را راهنمایی کنیم، که اگر این کار را نکنیم چند دلیل دارد یا ما خودمان به لحاظ اطلاعات قوی نیستیم یا بلد نیستیم که به چه شکل این اطلاعات را در اختیار نوجوان خودمان بگذاریم که آسیب فوق العاده‌ای از این جهت می‌بیند و یا این که اعتقادمان این است که ممکن است بشنود و روشن زیاد بشود و یا چه لزومی دارد ما خودمان بچه‌هایمان را وقتی چیزی نمی‌گویند خودم با دست خودم او را کنجکاو کنیم. نه؛ ما باید به یک سری از مسائل اعتقاد داشته باشیم که وجود دارند و ما باید قطعاً یک سری اطلاعات درست و ناب را در اختیار بچه‌مان قرار دهیم منتها چه مطلبی؟ و چه وقت و با چه روشی. این فوق العاده مهم است. مثل یک چاقوی تیزی می‌ماند که جراح، برای جراحی استفاده می‌کند و ممکن است همین چاقو را یک نفر بخواهد ناشیانه استفاده کند و باعث از بین رفتن کسی شود. پس پله اول این که ما قطعاً در تربیت‌مان باید این مسائل را برای بچه‌های خودمان داشته باشیم. یکی از خانم‌ها در مورد بُعد دوم پرسیدند. گفتم بعد اول، بعد انسانی است که تلقی فرد از خودش به عنوان یک انسان است. بعد دوم، بعد جنسی بود، بعد سوم بعد منشی بود، بعد چهارم بعد تحصیلی بود، بعد پنجم هم بعد شغلی بود. بخش‌های شغلی و تحصیلی را هم اگر باهم بگیریم، بعد قبلی بعد شخصیتی است. حالا چطور با این‌ها صحبت کنیم؟ به صورت فردی با او صحبت می‌کنیم. چرا؟ اعتقادمان این است که ما در جمع اگر صحبت کنیم التهاب ایجاد می‌کند، آشفته‌گی ایجاد می‌کند، دریدگی حیا را ایجاد می‌کند و قطعاً لازم است که ما فرصت ایجاد کنیم و این فرصت را به صورت فرصتی فوق العاده دنبالش باشیم و آمادگی داشته باشد و به لحاظ روانی او را دچار اضطراب نکنیم و از صدای خیلی عادی استفاده کنیم. نه این قدر آرام که فکر کند وای، دچار چه مشکلی شده و نه بالعکس. حالت بیان ما در آن زمان فوق العاده مهم است. بنابراین یکی از زحمتهای پدر و مادر در اینجا، زحمات واجب‌شان این است که اولاً مسلط شوند و یاد بگیرند که چه نکاتی را باید بگویند و این نکات را چگونه و کی بگویند این که بچه‌ها تشخیص بدهند در چه حالتی هستند. چون وارد یک وادی دارد می‌شود که ما می‌خواهیم از بروز یک سری انحرافات جلوگیری کنیم. این انحرافات همان‌طور که اسم‌اش رویش است، بحث اختلال نیست، بحث انحراف است. ما تأثیر خیلی مستقیمی را می‌توانیم داشته باشیم در ایجاد این انحرافات. باید با والد هم جنس گفتگو کند. در این سن نیاز دارد این مسائل را بداند و همین توضیحاتی که دادم. کتاب‌ها و مجلات وقتی از این طریق بخواند این‌ها را به دست بیاورد قاعدتاً یا به لحاظ افراطی دچار یک سری اطلاعات می‌شود که اطلاعات زیادتری هست که شاید لزومی ندارد و یا از طرفی دچار بی‌اطلاعی بشود و دیگران بتوانند این اطلاعات را در اختیار او بگذارند که شاید آن دیگران که این کار را می‌کنند. ممکن است



صلاحیت کامل را نداشته باشند. سرگیجه رفتن، سست شدن زانوان، خسته شدن چشم‌ها از عوارض مصیبتی است بنام خود ارضایی. که مدت‌ها گرفتار آن هستند. ما ناچاریم از این که در مورد این بخش و این خطر در مورد نوجوانی خوب بدانیم و دنبال این باشیم که یک راهی برای فرزندان خودمان یک راه امنی ایجاد کنیم که انشاء الله یا به این انحراف دچار نشوند یا اگر دچار شدند، کمک کنیم چون شیوع‌اش در نوجوانان شاید مثل سرماخوردگی باشد که شاید شما نوجوانی را پیدا نکرده باشید که به عمرش سرما نخورده باشد. نه، یک اتفاق کاملاً طبیعی است در بحث بلوغ جنسی و عوارض‌اش این است که این اتفاقات در ارائه مسیر ممکن است بیافتد. بحث مراحل رشد روانی جنسی در بچه‌ها، روان‌شناسان آمده‌اند چند مرحله چند تقسیم‌بندی کرده‌اند که یکی از آن‌ها چند مرحله مطرح کرده. برای مرحله رشد بچه‌ها یک مرحله تشخیص‌شان، مرحله دهانی است. تولد تا ۲ سالگی. از تولد تا ۲ سالگی بچه‌ها ابزار شناخت‌شان دهان‌شان است. شما هر چیزی دست بچه می‌دهی در دهانش می‌گذارد چون می‌خواهد تشخیصش را از دهانش بگیرد. دهان، مجرای آرامش اوست. یعنی با مکیدن پستان مادر احساس آرامش می‌کند. دهان محل ارتزاق اوست. یعنی در واقع ابزار بچه‌ها تا ۲ سالگی، بحث دهان‌شان است. این مرحله را روانشناسانی چون فروید آمده‌اند به این شکل نام‌گذاری می‌کنند، این مرحله را می‌گویند مرحله دهانی. مرحله دوم که مرحله آغاز هویت جنسی افراد از این سن اتفاق می‌افتد تا ۳ سالگی است. یعنی در واقع در ۲ تا ۳ سالگی، که بچه‌ها باور می‌کنند که دخترند یا پسر، در ابتدا بچه از لحاظ ظاهری تشخیص می‌دهد می‌گوید من موهای بلندی دارم، پس دخترم. اما آرام آرام از سه سالگی به بعد، متوجه می‌شود که آلت تناسلی‌اش با جنس دیگر متفاوت است. یعنی این مسأله در دوران بالغ شدن فرد نقش مهمی در نقش جنسیتی او دارد. قبل از بلوغ گفتیم بیشتر جامعه و محیط باعث می‌شود که حس درونی فرد هم نسبت به خودش کامل شود و خودش را حس کند که مرد است یا زن است.

گاهی که فرد دچار اختلال هویت جنسی می‌شود، شما آنجا می‌بینید همه ظواهر مردانه‌اند، اما احساس جنسیتی زنانه دارد. یا بالعکس. یعنی دوست دارد از زن بودن خودش استعفا بدهد یا دوست دارد از مرد بودن خودش استعفا بدهد. یعنی به لحاظ روانی نمی‌خواهد جنسیت‌اش را بپذیرد. اهمیت این مسأله یعنی هویت جنسی آنجاست که اگر فردی احساس مردانگی نداشته باشد، مثل یک مرد تحریک نمی‌شود. یعنی اگر هویتش مرد نباشد مثل یک مرد کامل تحریک نمی‌شود. لذا رابطه‌ای هم شکل نخواهد گرفت. یا به طور مثال برای خانم‌ها موقعی که استرس است، اگر ذهن آماده تحریک‌پذیری نباشد و اگر جنسی به جنسیت خودش باور نداشته باشد این‌ها مقدمه‌ای می‌شود برای آسیب‌های تحریکات جنسی که زمینه نقش زناشویی را کامل می‌کند. گفتیم هویت جنسی سرمشق‌های بی‌شماری دارد. مثل اعضای خانواده، دوستان، همکاران، یعنی در واقع هویتی که از بیرون گرفته می‌شود معمولاً ذهنی است نه جسمی. در واقع عوامل مؤثر بر هویت جنسی ۱- دستگاه تناسلی است. ۲- اندام عمومی و تناسب آن‌ها با جنسیت است. ۳- نگرش والدین و فرهنگ موجود است.



یکی از مادران: در مورد خودارضایی، والد موافق باید صحبت کنند.

پاسخ: قطعاً، گفتیم ما اعتقادمان این است که در این مرحله قطعاً باید صحبت اتفاق بیافتد و اصلاً بهترین ابزار صحبت است. و اصل بعدی، والد هم جنس است. اگر والد هم جنس نبود حالا مرئی هم جنس، یعنی کسی باید باشد که بتواند به لحاظ آن توافق جنسیتی که باهم هستند، این مباحث را مطرح بکند که جلوی شاید آسیب‌های دیگر گرفته شود.

مرحله دوم را روانشناسان «مرحله مقعدی» می‌گویند. در واقع ۲ تا ۳ سالگی است. گفتیم هویت جنسی در این سن شروع می‌شود که فرد باور می‌کند که دختر است یا پسر.

متوجه آن تفاوت‌های جنسی خودش می‌شود. در مرحله مقعدی، چرا به این نام گفته می‌شود؟ اینجاست که بچه‌ها کنترل مدفوع خودشان را دارند، همان قدر که کنترل شده می‌توانند مدفوع خودشان را هر وقت بخواهند دفع کنند، همین به او احساسات قدرت می‌دهد. دیدیم بعضی وقت‌ها همین رو عامل بازی می‌کنند بچه‌ها، یعنی مدفوع دارند ولی اجابت مزاج نمی‌کنند خودش را نگه می‌دارد. یعنی همین که متوجه این بحث می‌شود. این دوره، شرایط خاص خودش را دارد.

دوره بعدی، دوره ۴ تا ۵ سالگی است. این دوره را دوره آلتی گفته‌اند. یعنی بچه‌ها متوجه آلت خودشان می‌شوند. یعنی بحث تفاوت‌ها را متوجه می‌شوند و اینجا بچه‌ها با بازی کردن با آلت تناسلی خودشان احساس لذت می‌کنند و دست‌ورزی‌هایی در این زمان دارند که مراقبت خانواده و پدر و مادر را مطلبد، که بچه را دچار اضطراب نکنند. برخورد نامناسب باعث می‌شود یک وقت‌هایی بچه‌ها دچار تثبیت می‌شوند. تثبیت به این معناست که یک زمانی فرد نمی‌تواند یا مایل نیست از این مرحله عبور کند چون تعارض حل نشده و یا وقت‌هایی والدین که خیلی آسان‌گیر یا غافل هستند، بعضی از نیازها چون زیاد از حد ارضاء می‌شود، انگار کودک نمی‌خواهد پیش برود، یعنی از مرحله آلتی وارد مرحله بعدی شود. مرحله بعدی، مرحله نهفتگی است. منظور همین نهفتگی مسائل جنسی است. از ۵ سالگی تا بلوغ. شما می‌بینید هیچ خبری از این نیاز و این شرایط و اتفاقات وجود ندارد. بچه‌هایی که در ۴ یا ۵ سالگی بازی با آلت خودشان دارند و از این مسأله لذت می‌برند، شما می‌بینید اگر با آن‌ها درست برخورد شود، از ۵ سالگی تا الان می‌بینید او دست‌ورزی داشت ولی از ۵ سالگی به بعد یک دفعه می‌بینید هیچ خبری نیست تا زمان بلوغ. به این دوره، دوره نهفتگی می‌گویند. چون هیچ تحریکات و اتفاقی در این سن برای بچه‌ها متصور نیست. دقیقاً از بلوغ تا بزرگسالی را مرحله تناسلی گفته‌اند. این زمانی است که بچه‌ها وارد مرحله‌ای می‌شوند که نیازهایی را در خودشان احساس می‌کنند و گزینه‌ای را در خودشان بیدار می‌بینند که یکی از نیرومندترین غرایض است. این چیزی که به حالت نهفته و کمون بود که در وجود آدمی به ودیعه قرار داده شده در اولین سال‌های بلوغ می‌بینید که رفته رفته جان می‌گیرد، بیدار می‌شود و یک دفعه می‌بینید نوجوان خودش را در چنگال قوی این گزینه درگیر می‌بیند و در واقع احساس بی‌دفاعی و

ناتوانی می‌کند. دقیقاً همین نداشتن ابزار دفاعی، ابزاری که پدر و مادر و مربی باید با توجیه به موقع آن در اختیارش قرار دهند، خودش را در این زمان بی‌دفاع و ناتوان می‌بیند. خود همین ابتدای تعارضات جنسی می‌شود و ابتدای انحرافات جنسی. به خاطر همین، ظهور و بروز این غریزه در نوجوانی، خواه ناخواه همراه یک سری مشکلات است. در واقع نوجوان اول احساس ناشناخته و مرموزی در وجود خودش پیدا می‌کند و می‌خواهم بگویم به چه شکلی این غریزه در بچه‌ها بیدار می‌شود. در مرحله اول نوجوان نسبت به وضع بدن خودش، به ویژه دستگاه تناسلی خودش متوجه می‌شود و این تازه آغاز آن توجه است و علاقه به امور جنسی است. در مرحله دوم یک میل شدیدی را احساس می‌کند که همراه با عاطفه و محبت است. در واقع همین حس یک ماهیت عاطفی پیدا می‌کند. در مرحله بعدی، همین حسی که شروع شده بود، علاقه به جنس مخالف بیشتر می‌شود به صورت مقدماتی عشق و علاقه ممکن است متوجه هر کسی بشود. در اینجا حتی ممکن است چندین نفر مورد علاقه نوجوان باشند، در مرحله بعدی، می‌آید آن علاقه از چند نفر تغییر جهت پیدا می‌کند به جانب یک فرد از جنس مخالف هدایت می‌شود. حالا این فرد ممکن است حتی یک قدری مسن‌تر از خود نوجوان باشد. یعنی شما می‌بینید یک نوجوان ۱۴ یا ۱۵ ساله است علاقه‌مند به یک جنس مخالف خودش شده که مثلاً ۵ یا ۴ یا ۳ سال از خودش بزرگتر است. یعنی آن حس سرگیجه آزادی که دارد این مسیر شکل‌گیری‌اش است که اگر این مسیر، مسیر امنی نباشد آن وقت شما خودتان باید پیدا کنید که چه خطراتی اینجا اتفاق می‌افتد.

در مرحله بعدی، نوجوان تغییر عقیده می‌دهد و متوجه یک فرد می‌شود و اتفاقاً دنبال این است که با خودش تناسب سنی داشته باشد. اینجا روان‌شناسان می‌گویند علاقه نوجوان دو نوع است: یکی عشق عاطفی‌اش است که بر پایه آن ملکوت‌اش شکل گرفته، یکی عشق شهوانی‌اش است. منظور از آن عشق ملکوتی، عاطفه محبت و علاقه‌ای که نوجوان به طرف مقابل‌اش احساس می‌کند و بین خودشان به عشق پاک معروف است. در این مرحله جنبه جسمانی و شهوانی ندارد یک تحسینی احساس می‌کند. دوست دارد فداکاری کند، و اصلاً هم دوست ندارد که بگویم این حس او به لحاظ جنسی است. در واقع احساس می‌کند که در آسمان‌ها دارد قدم می‌زند. احساس محبت‌آمیز، در مرحله بعدی مرحله عشق شهوانی است در واقع که به دنبال عشق عاطفی ظهور می‌کند بیشتر دنبال مسائل توأم با لذت است یعنی همان احساسی که داشته حالا می‌رود که احساس لذت شکل بگیرد. ببینید، این‌ها به لحاظ خدادادی، جوری قرار داده شده که اتفاقاً زمینه ازدواج تشکیل خانواده شکل بگیرد منتها به قدری حساس است و این راه، چون راه پر مخاطره‌ای است به خاطر همین مراقبت‌ها خیلی مهم است که مراقبت‌های ویژه باشد.

ما اینجا یک وظیفه مهم داریم. اگر بتوانیم به نوجوان تفهیم کنیم که هر میلی به موقع و صحیح ارضاء شود قطعاً باعث سعادت انسان می‌شود. در واقع اگر ما این را بتوانیم تفهیم کنیم که فوق‌العاده سخت است در واقع توانستیم واقعاً آن مسئولیت اخلاقی لازم را برایش ایجاد کنیم. در واقع زمانی که نیروهای غریزی جنسی در

نوجوان ما بیدار می‌شود، قدرت فوق‌العاده‌ای در او ایجاد می‌کند که دنبال ارضاء آن است. آنچه که مورد تقاضای آن کشاننده‌های جنسی است ارضاء بلافاصله آن‌هاست. یعنی این حس در بچه ما ایجاد می‌شود و ارضاء بلافاصله‌اش، آن را خاموش می‌کند. در اینجا نقش ما چیست؟ اگر ما بتوانیم در سیستم اخلاقی و فکری درست که برای فرزند خودمان این مسأله را ایجاد کنیم که چطور بتواند احساسات خودش را کنترل کند، یا نسبت به آن تسلط پیدا کند، توانسته‌ایم خیلی کار کنیم که فرهنگ‌های مختلف در تثبیت این عادت‌های نقش مهمی دارد. چرا کامجویی بدلی؟ الان متأسفانه بحث خودارضایی را خیلی از روان‌شناسانی که پایه علمی‌شان بحث اوامنیسم است، اصلاً چیز بدی نمی‌دانند و با اصطلاحات قشنگ‌تر مطرح می‌کنند مثل این که چگونه با خود مهربان باشیم، در خیلی جاها به این مسأله تأیید دارند. شما اگر بخواهید در این اطلاعات کلی بگردید که مقاله‌ای برای استمناء یا خودارضایی پیدا کنید، عارضه داشته باشد، شاید به سختی بتوانید. ولیکن در واقع یکی از مهم‌ترین انحراف پایه مسأله جنسی هست که اگر از حالت طبیعی خودش خارج شود، در واقع به سمت انحرافات دیگری می‌رود که مثل بحث هم‌جنس‌گرایی، یا انحرافات دیگر.

گفتن در فضای عمومی خانواده یعنی در واقع از آن حالت حیا گونه این مسأله را بیرون بیاوریم. اما در فضای رفاقتی من و دخترم، به عنوان یک جنس موافق، یا به عنوان پدر یا پسر به عنوان جنس موافق، یک مسأله کاملاً علمی و مسأله‌ای که باید به آن پرداخته شود قطعاً تأثیر بهتر خواهد داشت.

ما داریم در مورد پدیده بلوغ صحبت می‌کنیم. پس من مادر، نمی‌توانم به طور مطلق بگویم که مثلاً سن ۱۴ سالگی شاید بچه من در سن ۱۲ سالگی بالغ شده، بگویم در سن مثلاً ۸ یا ۱۰ سالگی، سن بلوغ متفاوت است یک بچه‌ای است ۱۴ سالش است هنوز بالغ نشده، بچه‌ای است در ۱۰ سالگی یعنی کلاس سوم یا چهارم دبستان در بچه‌های ۱۰ ساله بالغ داشتیم. بنابراین قطعاً من نمی‌توانم بگویم در چه سنی، داریم در مورد فرآیند سن بلوغ صحبت می‌کنیم. هر کس باید متوجه شرایط فرزند خودش باشد. که ببیند در چه سنی هست که در مورد این شرایط.

غریزه‌ی جنسی مثل هر غریزه‌ی دیگری است. مثلاً من غریزه‌ی دارم بنام تشنگی، ممکن است غریزه‌ی خودم را از راه درست و با غذای درست پاسخ بدهم، ولی ممکن است به آن پاسخ ندهم یک دفعه گرسنگی بکشم با یک غذایی معده‌ام را پر کنم. این می‌شود انحراف در غریزه‌ی نیاز من به غذا. یا در تشنگی همین‌طور. ما در شیوه‌های مختلف داریم برای ارضاء و تأمین نیازهای مختلف مان، که با طبیعت انسانی ما موافقت و هم‌سوئی باید داشته باشد، غریزه‌ی جنسی هم دقیقاً همین است. همانطور که اگر نیازهای دیگرمان از مسیر درست ارضاء نشود دچار انحراف می‌شود، دقیقاً نیاز جنسی ما هم اگر از طریق درست‌اش ارضاء نشود، پدیده‌ای را ایجاد می‌کند به نام انحراف جنسی.

یکی از مادران: پسرها و کلاً بچه‌ها با مادر چون زمان بیشتری راحت‌ترند...



پاسخ: ببینید. من می‌خواهم بگویم درست است. این مسأله کاملاً طبیعی است. چه پسر و چه دختر چون ساعت زیادی را با مادر سپری می‌کند، راحت‌تر است که با مادر راجع به این مسائل صحبت کند. ولی ما می‌خواهیم این را هدایت کنیم. من مادری که می‌دانم راجع به این مسأله صحبت کردن با فرزندم، آن حیاء بین مادر و فرزند را می‌تواند از بین ببرد، جلسه‌ی پیش هم رابطه‌ی حیا با عقل را صحبت کردیم، پس قطعاً برکاتی نخواهد داشت. ممکن است یک سری اطلاعات من بدهم، ولی متوجه آسیب‌اش نیستم. پس بنابراین اینجا ما راحتی برایمان مهم نیست، راحتی و صمیمیت رو من باید زحمت بکشم بین پدر و فرزند با آن جسم، با آن هم‌جنس خودش ایجاد کنم و از آن مسیر هدایت بشود. یعنی شما مکان‌دار این مسیر هستید که این نیاز را باید هدایت بکنید به سمت و سوی اصلی خودش.

یکی از مادران: اصلاً در مورد این موضوع فکر می‌کند یا نه؟ بچه‌ها اصلاً نشان نمی‌دهند؟

پاسخ: سؤال گنگ است. چه چیز را نشان نمی‌دهند؟ در مورد این موضوع فکر می‌کنند؟ و منظورتان چیست؟ من پسر ۸ ساله است. از الان استرس دارم.

پاسخ: نه عزیزم، شما این کلاس‌ها را دارید وقت می‌گذارید داریم پیش می‌رویم و مطالعه می‌کنیم. اصلاً لزومی ندارد استرس داشته باشید. دنیای عالم آمدند این نیاز و این حس را داشتند ولی من به جای استرس، دلم می‌خواهد شما بحث حساسیت رو داشته باشید. یعنی در اینجا حساسیت به موقع، حساسیتی که انشاء الله مقدمه‌ی فعالیت به موقع شما شود. یک غول نیست، یک اتفاقی است که خداوند عالمان در وجود همه گذاشته منتها مادری مثل شما آگاه، پدر دلسوز، و آگاه رو می‌طلبد که در کنار فرزندان قرار بگیرند کمک کنند دستشان را بگیرند. همان‌طور که شما یک بچه‌ی ناتوان که وقتی به دنیا آمد کمکش کردید و مراحل مختلف زندگی‌اش را تا اینجا آورده‌اید، این مرحله را هم ان شاء الله با استمداد الهی و آموزش آن مطالبی که باید داشته باشید به خوبی طی می‌کنید و به هیچ عنوان استرس نداشته باشید که چون آن استرس دقیقاً حتی اگر شما عنوان هم نکنید، این استرس رو انتقال می‌دهید و در یک کلام خلاصه کنم، استرس مادر همه مشکلات است.

یکی از مادران: باید بعد از بلوغ با آن‌ها صحبت شود یا باید قبلش آگاهی به آن‌ها بدهیم؟

پاسخ: ببینید، ما آرام آرام، پله پله جلو می‌رویم. آگاهی دادن در همان سنین در شرف بلوغ که این اتفاق برایش بیافتد یک دفعه دچار بُهت نشود، نه؛ این مکانیزم رو ما برایش توضیح می‌دهیم که در ادامه می‌گوییم که ما باید به چه شکل جلو برویم که دچار مشکل نشویم.

اگر فرزندان هیچ اطلاعاتی در این مورد ندارد، قطعاً باید این اطلاعات را شما در اختیارش قرار بدهید. در فضای امن، پسر با پدر، به عنوان یک اتفاق کاملاً طبیعی که در بدن هر کسی می‌افتد، این شرایط هم، شرایطی است که برای هر کسی ممکن است بیافتد. پس بنابراین، گفتیم که همان‌طور که همه نیازهای ما می‌توانند به شیوه‌های مختلف ارضاء شوند، بحث مسائل جنسی هم همین‌طور است. که اگر حواسمان نباشد، آن وقت به

انحرافات جنسی کشیده می‌شود. در واقع غریزه‌ی جنسی در دوران بلوغ پر قدرت‌ترین جنبه‌های وجودی انسان است. مثل تشنگی و گرسنگی که انسان را وادار می‌کند فعالیت کند و به او انگیزه می‌دهد که برای سیر شدن یا رفع تشنگی خودش تلاش کند، یک نوجوان هم وقتی این غریزه در او بیدار می‌شود، در مقابل خودش چندمین راه و شیوه را می‌بیند در واقع به آن شیوه‌هایی که آموخته شده به یکی یا برخی از آن‌ها دست درازی می‌کند و آن را انجام می‌دهد. بحث بلوغ جنسی، غالباً زودتر از بلوغ روانی و بلوغ اقتصادی برای یک نوجوان اتفاق می‌افتد. یعنی زمانی که نوجوان نیاز به تأمین جنسی را به شدت در وجود خودش احساس بکند و زمانی احساس می‌کند که هنوز آن شکل صحیح ارضاء غریزه‌ی جنسی مثل ازدواج برایش وجود ندارد. ولی این حس در او وجود دارد. یعنی حسی که الان به جنس مخالف دارد و می‌خواهد ارضاء کند ولی هنوز بلوغ روانی ندارد. هنوز بلوغ عقلی ندارد. هنوز بلوغ اقتصادی که بتواند مدیریت کند و سرپرستی کند خانواده را، ندارد. یک دفعه در این فضا وقتی بلوغ جنسی قرا می‌رسد، درگیر این مسأله می‌شود که چه شکلی باید این اختلاف فازها رو و خلاءها رو در مقابل نیاز جنسی اش پر کند.

خوب، حالا از اینجا به بعد هست که بحث خود کنترلی که راجع به آن صحبت کردیم نیازش را احساس می‌کنیم. خدا یک حسی را گذاشته در ۱۳ یا ۱۴ سالگی این حس ایجاد می‌شود حالا بچه‌ها می‌خواهند مثلاً به سن بیست و خورده‌ای سال برسند که یک موقعیتی یعنی بلوغ عقلی و اقتصادی پیدا کند و بتواند سرپرستی خانواده را به عهده بگیرد و در این فاصله، خدا نمی‌توانست مثلاً ۲۴ سالگی یا ۲۳ سالگی که این فرزند بلوغ اقتصادی هم پیدا کرد، همان زمان هم بلوغ جنسی پیدا می‌کرد؟ آیا برای خدا کاری داشت این اتفاق؟ اما، یک حکمتی این میان بوده، مثل یک کیسه بوکسی که یک فردی که می‌خواهد ماهیچه‌های دست‌اش قوی شود، دائماً شروع می‌کند به مشت زدن به این کیسه بوکس و این اتفاق باعث می‌شود که این ماهیچه‌ها قوی شود، در واقع این فاصله سنی را هم خداوند عالمیان قرار داده که نوع تعامل با این غریزه که این را بکشد و نگه دارد و یاد بگیرد که به چه شکلی با این برخورد کند تا این در مرحله اساسی خودش مقدمه‌ای شود برای ادامه زندگی و حیات و ادامه توالد و تناسل، دقیقاً این مرحله، آن مرحله قوت پیدا کردن است. و اگر این راه حل که یکی از دشوارترین و پیچیده‌ترین راه حل‌هاست، بحث خود کنترلی، اگر اتفاق نیافتد، یک گرایش دیگری به جایش اتفاق می‌افتد مثل کامجویی از خود این یک گرایش منحرف است در این مسأله، یک گرایش انحرافی دیگر وقتی است که نوجوان به سوی هم جنس خودش متمایل می‌شود. انحرافی به نام هم جنس گرایی. که این را هم متأسفانه کم نداریم. چون کمتر حواسمان هست وقتی دو دوست که هر دو یک جنس هستند احساس می‌کنیم خیلی کم‌تر نیاز به مراقبت دارند تا زمانی که یک دختر و یک پسر در کنار هم قرار گرفته‌اند. اینجا هم آن فضا مهیا می‌شود برای این تمایل مثل بحث هم جنس گرایی که انحراف دیگری است. یک انحراف دیگری که ممکن است در این زمان اتفاق بیفتد، همان گرایش نوجوان به جنس مخالف است.

ما در کنار این شیوه‌ها، شیوه کف نفس یا خویشتن‌داری هم داریم که فوق‌العاده دشوار و پیچیده است. به خاطر همین، نوجوانان به این شیوه عمل نمی‌کنند. یک بخشی به این شیوه عمل می‌کنند و در این مرحله به خطرناک فائق می‌آیند. بنابراین اگر ما بخواهیم دسته‌بندی کنیم انواع انحرافات جنسی را، دسته اول انحرافات هستند که از نظر انتخاب هدف جنسی، نادرست عمل می‌کنند. مثلاً می‌شود هم‌جنس‌گرایی و خودارضایی. در واقع شریک جنسی خودش را هم جنس خودش انتخاب می‌کند یا خودش. چون دسترسی به خودش راحت‌تر است. در خیلی از شرایط بچه‌ها دچار استرس می‌شوند و به خودشان پناه می‌برند و احساس امنیت و آرامش می‌کنند از اینکه خودشان با خودشان هستند، فرد دیگری درگیر نیست، احساس می‌کنند آبرویشان محفوظ است. پس، قابل دسترس‌تر است و این انحراف، از هر انحرافی در سن نوجوانی مبتلا به بیشتری دارد. دسته دوم، بحث روش ارضاء هست در انحراف جنسیتی.

گفتیم در دسته دوم آن انحرافات هستند که فرد هدف جنسی‌اش را انتخاب می‌کند منتها برخلاف شیوه طبیعی عمل می‌کند. که این اختلالاتی مثل سادیسم و خودآزاری و مازوخیسم دارد که از فرد سر می‌زند. این انحرافات است که شاید خیلی متوجه سن بلوغ نباشد ولی اتفاقاتی که در بلوغ می‌افتد مقدمه این اختلالات است مثل سرد مزاجی، مثل جنون مقاربت، یک سری مشکلات هست که در بزرگسالی اتفاق می‌افتد.

روان‌شناسان تا ۱۵ نوع اختلال جنسی را مطرح کرده‌اند. می‌رسیم به علل انحرافات جنسی.

یکی از مادران: چرا در فرهنگ کشورهای دیگر که نوجوان شریک جنسی دارد و از زمان بلوغ این حس ارضاء می‌شود، اما دچار عقب ماندگی نمی‌شوند و از لحاظ اجتماعی و اقتصادی هم به درستی رشد می‌کنند؟

پاسخ: آواز دهل از دور خوش است! اینکه در این کشورها چه اتفاقاتی می‌افتد، اینکه بچه‌ها شریک جنسی دارند در آنجا هم خانواده‌هایی هستند که کاملاً مقید این مسائل هستند. فکر نکنید در غرب، همه این‌طور هستند. نه، ولی شما ببینید که همان‌جا هم چه انحرافات اتفاق می‌افتد در خانواده‌های بی‌بند و بار. و سلامتی وجود دارد در خانواده‌هایی که واقعاً مقیدند تربیت جنسی درست اتفاق بیافتد. ما بحث عقب ماندگی را مطرح نکردیم. بلکه نظرم آن بود که این سن که زمان و نیاز به ارضاء این سن حدود ۱۳ الی ۱۵ سالگی است، تا زمانی که در بستر خانواده اتفاق بیافتد، یعنی یک مسیر امنی را باید برایش درست کنیم و فردی که در این سن می‌آموزد که به چه شکلی این حس خودش را کنترل و مدیریت کند، قطعاً می‌تواند خانواده درستی داشته باشد. شما چارچوب خانواده را در غرب ببینید به کجا رفته است؟ شما بحث ازدواج سفیدی که به عنوان یک پروژه ناقص و شکست خورده‌ای بود که در غرب ایجاد شد، ازدواج سفید یعنی ارتباط آزادی که بین دختر و پسر وجود دارد و از این جهت که این‌ها هیچ کجا، هیچ سندی را به عنوان زن و شوهر امضاء نمی‌کنند، تا یک مدت زیادی این‌ها در کنار هم هستند حتی در یک خانواده یا خانه جدا با هم هستند تا زمانی که به تفاهم برسند حالا تازه بروند ثبت کنند و زن و شوهر رسمی بشوند.

خوب ببینید وضعیت خانواده، انحراف جنسی و کمونیسیم جنسی که فرد به چه شکلی چند نفر شریک جنسی دارد و وضعیت خانواده در غرب را بررسی کنید بعد این قدر محکم بگوییم که این‌ها به درستی رشد می‌کنند. متأسفانه ما هم در جامعه خودمان مبتلا به زیاد داریم. متوجه هستیم که این اعتقاد شما نیست. علت انحراف جنسی چیست؟ گفتیم انحرافات زیادند، ما صرفاً داریم بحث خودارضایی را مطرح می‌کنیم. چون گفتیم بیشترین انحرافات را ما در این سن داریم.

یکی از دلایل کنجکاوی‌های هدایت نشده است. گفتیم کنجکاوی در بچه‌ها در این سن فوق‌العاده وجود دارد. همین کنجکاوی که بچه‌ها دارند با عدم مراقبت صحیح، وقتی این دو در کنار هم قرار می‌گیرد رابطه علت و معلولی بوجود می‌آورند. براساس غریزه‌ی کنجکاوی خودش به همه چیزهایی که موضوعیت پیدا می‌کند و اطرافش هست علاقه‌مند می‌شود یا بدان چیزهایی که علاقه‌مند شده تقریباً اطلاعی از آن‌ها ندارد، یا اگر هم اطلاع دارد، اطلاعاتش کم است.

همین کم بودن اطلاعات، اگر اضافه شود به یک پدر و مادر ناآگاه، که برخورد مناسبی در این سن ندارد، اینجا وقتی کودک متوجه تغییرات اندام جنسی خودش می‌شود، به عنوان یکی از دستگاه‌های بدنش، اول دست‌ورزی می‌کند، و اینطوری متوجه یک تغییرات حالت می‌شود، بعد می‌بیند این تغییرات حالت برایش نوعی لذت می‌آورد، و آن لذت احساس رضایت برایش می‌آورد، بعد آرام آرام ما در اینجا پدر و مادری داریم که غافلند. ساعت طولانی تنها بودن فرزند، غفلت فراوان، عدم رعایت آن بهداشت روانی برای فرزند، همه این‌ها وقتی دست به دست هم می‌دهند، باعث می‌شود آرام آرام آن دست‌ورزی‌ها اتفاق بیافتد. بنابراین لذت ایجاد می‌شود، و آنگاه آرام آرام بچه را برای انجام این کار تشویق می‌کند. یک وقتی یک دفعه می‌بینیم والدین این حالت را در بچه می‌بینند. اینجا نیاز است که والدین فوق‌العاده قاطع عمل کنند اما به آرامی. حالا، من وارد شدم، یک چنین اتفاقی را دیدم، چکار باید بکنم؟ اولاً با حواس جمع هیجانانگیز خودم را مدیریت کنم، استرس نداشته باشم، داد نمی‌زنم، و در فضای کاملاً امن و آرام، ولی قاطع. تغافل نداریم، یعنی این که من ندیدم، نه! من متوجه شدم ولی بلافاصله برچسب کار زشت به این مسأله نمی‌زنم. بلافاصله می‌گویم: حواست را جمع کن. چرا این اتفاق افتاده؟ مثلاً می‌گوید: پایم می‌خارد، عرق سوز شده. می‌گویم: ببین، لباس هایت را اینجا آماده گذاشته‌ام، سریع برو دوش بگیر. ببینید علتش چیست؟ حالا دختر با مادر و پدر برای پسر، حالا والد دقیقاً اطلاع پیدا می‌کند و بلافاصله کمک‌اش می‌کند. یعنی من گوشی دست هست.

این دو عامل، یعنی ما آن کنجکاوی‌های هدایت نشده‌ای که وجود دارد به عنوان یک واقعیت ما می‌دانیم و اگر این مراقبت درست اتفاق بیافتد و به موقع رسیدگی شود و عوامل‌اش حذف شود، تبدیل به یک عادت نخواهد شد. ولی گفتیم اگر این کنجکاوی بعلاوه عدم مراقبت صحیح والدین بشود، آن وقت می‌شود یک بی‌اطلاعی که برای نوجوانم وجود دارد می‌شود زمینه‌ساز ابتلاء نوجوان به بحث خودارضایی حتی در دوران قبل از بلوغ.

حتی گاهی یک حساسیت پوستی برای یک دختر بچه ۷ ساله، یا حساسیت پوستی در ناحیه زیر شکم بوده، مادر توجه نداشته. این قدر این جا را این بچه خارانده است چون آن سلول‌های حساس عصبی در این منطقه آلت تناسلی فراوانند، و وقتی که بچه دارد زیر شکمش را می خاراند، دست متوجه آن سیستم عصبی ناحیه محیط تناسلی می شود، قاعدتاً خواه ناخواه این گرایش پیدا می کند و تداوم پیدا می کند و حتی زمینه ساز بلوغ زودرس هم می شود.

و اگر غیر هم جنس اگر وارد اتاق شد و این مسأله را مشاهده کرد اینجا تغافل لازم دارد ولی می تواند مسأله حساسیت و عرق سوز شدن و این ها را راهنمایی و از این طریق مطرح کند. ولی اگر والد هم جنس باشد، حتی می تواند همدلی کند و بگوید: بینم چه شده، مثلاً کنار پایش را ببیند و راهنمایی اش کند. بگوید: از این به بعد اگر این اتفاق برایت افتاد، سعی کن که این کار را بکنی، احتمالاً این اتفاق برایت افتاده است.

منتها مادر حتماً باید متوجه آن حفظ بحث حیاء اش هم باشد یا پدر برای جنس مخالف یکی بحث ناآگاهی و غفلت نوجوان ها هست. بچه ها یک مقدار به خاطر محدودیت تجربه و اطلاع از مسائل که در این زمان نیاز دارند، وقتی محدودیت نسبت به این مسأله دارند، و ما هم به این ها آگاهی نداده باشیم، خود همین بی خبری شان باعث لغزش هایی می شود که حتی همین لغزش ها، و این بی خبری و غفلت ها، یک وقت هایی باعث می شود که بچه احساس کند به خاطر همین کار، یک لذت آنی به او دست بدهد و در واقع همین کسب لذت، که تقریباً به سهل ترین روش و فوری ترین روش است، چون از عوارض اش اطلاعی ندارد، مبادرت به این کار می کند. اینجا والدین را می خواهیم که با کوچک ترین تظاهرات این بیماری اگر در فرزند خودشان ببینند، مثل این که ما چطور در مورد بی اشتهایی بچه هایمان این قدر حساس هستیم، قطعاً این اتفاق نیاز به حساسیت بیشتر (نه استرس) دارد که ما را فعال می کند که در مورد این مسأله ان شاء الله وقت کافی را داشته باشیم.

مسأله بعدی، بحث انزوا یا مرض تنهایی است. خودارضایی یک اسم دیگرش مرض تنهایی است. یکی از علت هایش انزوا است. تنهایی از چند جهت می تواند زمینه ساز خودارضایی بشود. در واقع تنهایی، مسیری است برای این که فرد، توان ارتباط با دیگران را ندارد، لذا سعی می کند که تنها باشد. در واقع این نوع ارتباطات، یک وقت زیادی از ما پُر می کند و باعث می شود که ما تجربیات اجتماعی و عاطفی مناسبی را داشته باشیم ولیکن کسی که دائماً دارد در تنهایی به سر می برد، در واقع محروم است از آن ارتباط و برخوردهای اجتماعی لازم، لذا خود همین تنهایی عاملی می شود برای این که وقتی در خودش احساس ضعف کند که من نمی توانم با کسی ارتباط بگیرم، من دوست زیادی ندارم، لذا آرام آرام نوجوان ما می رود در قالب این که خودم با خودم راحت ترم. وقتی می رود در قالب این که مثلاً با دوستانش قرار می گیرد مهارت قابل طرحی در جمع دوستانش ندارد. در واقع چیزی که عامل توجه باشد برای دوستان در جایی که واقعاً نیاز به گروه همسالان در این زمان دارد وقتی آن کالای مورد توجهی را نداشته باشد این فرصتی می شود برای این که به خودش مراجعه

کند و در واقع آن اراده و نیرویی که باید تلاش کند برای این که نظر دیگران را برای پذیرش خودش جلب کند این فعالیت و این انگیزه را ندارد لذا در تنهایی خودش می ماند، در واقع خیلی از آن اختلالات یا محرومیت‌هایی که در اجتماع ما داریم، این‌ها ناشی از تنهایی است. در واقع باعث می شود که نوجوان به درون خودش پناه ببرد و آن ارتباط مداومی که با خود دارد، عاملی می شود برای خودارضایی.

در واقع تنهایی، یک حصاری است که نوجوان به دور خودش می کشد که از فضای خارج خودش در امان باشد.

یکی از مادران: پسران ارتباط خوبی با پدرشان دارند. اگر این چنین مسائلی را با همسرم بگویم نمی تواند کمک کند که هیچ، تازه در دسر هم می شود تقصیر کی است؟

پاسخ: شما همان قدر که می توانید با پسر خودتان این فضا را ایجاد بکنید که راجع به این مسأله با او صحبت کنید، قطعاً این توانمندی در شما هست که بتوانید پدر را توجیه کنید. من پرهیزم اینجا به خاطر این مسأله است که ما خیلی خیلی بیشتر از آنچه فکر کنیم باید مراقب آن فضای حیامندی بچه‌ها باشیم. خودمان متوجه نیستیم. شاید بگوییم من که مادرم، خوب خیلی راحتم. نه، من متوجه نمی شوم کی آن ذخیره حیای بچه من مثل یخ آب می شود من باید مراقب این باشم. اگر واقعاً این توان را دارید که خدشه‌ای به آن مسئله وارد نشود و شما بتوانید موفق این کار را انجام بدهید، که فی‌المواد، اگر نه، درست است کار سختی است ولیکن به نظرم می آید شما باید صحبت کنید قطعاً پدران به این مسأله واقفند و مطمئن باشید همان قدر که شما می توانید این مسأله را تجزیه و تحلیل کنید برای پدر این مسأله راحت تر است. یک خرده امتحان و تلاش کنید انشاء الله این مسیر، مسیر بهترین خواهد بود.

یکی از خانم‌ها: با مشاوره صحبت می کردم. می گفت پسر من نباید به شکم بخوابد چه موقع خواب با درس خواندن.

پاسخ: قطعاً ما این خواب را به هیچ عنوان نه پیشنهاد و نه توصیه می کنیم. قطعاً بچه‌ها را قبل از سن بلوغ اگر بچه‌ها عادت دارند به شکم بخوابند قبل از سن بلوغ ما مراقب هستیم که بچه‌ها عادت کنند به پهلو بخوابند. یک بالشی زیر دست‌شان بگذاریم که تکیه به این بالش بدهد و به پهلو بخوابد. بعد دیگر به مرور بالش را از دست‌شان بر می داریم. ما تمام حواسمان باید باشد که تحریکات این منطقه را کم کنیم. از لباس زیر مناسب، پارچه‌های نایلونی ایجاد تحریک‌زایی بالایی دارد. لباس زیر حتماً نخی یا کتان باشد که تا حد اطمینان ایجاد حساسیت و تحریک نکند. لذا وقتی این منطقه، منطقه‌ای است که سلول‌های عصبی محرک فراوانی وجود دارد.

مخصوصاً در پسرها، لباس چسبان نباید باشد. به صورت طبیعی، بیضه‌ها دقیقاً برخلاف تخمدان‌هایی که در دختران وجود دارد، این تخمدان باید یک شرایط حرارتی درون بدن داشته باشد، به همین دلیل تخمک‌های دختران و زنان در داخل بدن است. برعکس لوله‌های اسپرم‌ساز و اسپرم در بیضه‌ها، باید یک فضایی پایین‌تر از

درجه حرارت بدن باشند. لذا بیضه‌ها جدای از بدن و با یک فاصله‌ای از بدن قرار دارند. لذا اگر ما لباس دختر بچه‌ها مخصوصاً جذب باشد و این حرارت بین بدن و بیضه‌ها وجود داشته باشد، قاعدتاً اختلالاتی را بعدها برای فرزندان ما ایجاد می‌کنند. به شکم خوابیدن دقیقاً همین عارضه را دارد. از لحاظ فیزیولوژیک هم فشار روی ستون فقرات هست.

مقایسه فضایی که ما در آن رشد کردیم با فضایی که بچه‌های ما دارند در آن رشد می‌کنند، زمین تا آسمان فرق می‌کند. مواضع خطری که امروز بچه‌های ما در فضای مجازی با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، ما اصلاً نداشتیم. نهایت کاری که یک پسر یا دختر در زمان ما داشت این بود که حتماً باید از خانه خارج می‌شد و پسرها جلوی دبیرستان دخترانه می‌رفتند. قطعاً اگر آن زمان این‌ها می‌خواستند به یک سری اطلاعات دست پیدا کنند که خدای ناکرده به انحرافات کشیده شوند، ببینید چه مسیر سختی را باید طی می‌کردند. در صورتی که امروز فرزند ما، حتی شما همه حواستان هم که جمع باشد، اگر خدای ناکرده آن خود کنترلی وجود نداشته باشد در این فضا همه نوع انحراف وجود دارد.

یکی از مادران: الان من چکار کنم. خودم هم که درست نیست توضیحی بدهم.

پاسخ: از یک مشاور استفاده کنید یا از یک مربی مدرسه با آن‌ها در میان بگذارید ان شاء الله این خلاء را پر می‌کنند.

یکی از مادران: پسر من ۱۳ سالش است. روی شکم می‌خوابد. می‌گویم نخواب، پشت میز که می‌نشیند دوباره به شکم می‌خوابد می‌گویم نخواب می‌گوید خسته می‌شوم.

پاسخ: ساعتش را کم کنید. بچه‌ای که عادت کرده همه‌اش به شکم بخوابد یک دفعه نمی‌توانید بگویید پشت میز بنشین. حتی الامکان از این میزهای کوچک که بچه‌ها می‌توانند بنشینند و آن میز را جلوی خودشان بگذارند از این میز استفاده کنید. این میزها باعث می‌شود بچه‌ها همان راحتی روی زمین را دارند و همین هم که مجبورند پشت میز بنشینند. بعد آرام آرام می‌تواند پشت میز بنشیند. ولی وقتی عادت کرده دمر بخوابد و به آن شکل درس‌اش را کار کند، فضای درس خواندن الان که عمدتاً بچه‌ها افقی هستند، شما یک دفعه نمی‌توانید بگویید که پشت میز بنشین.

یکی از مادران: وقتی می‌خواهم با یک نوجوان صحبت کنیم، در مورد چه سرفصل‌هایی صحبت کنیم و از چه واژگانی بهتر است استفاده می‌شود؟

پاسخ: شما در واژگان خیلی دچار پوشیده‌گویی نشوید. از واژگان علمی استفاده کنید. سعی کنید هر چیزی که می‌خواهید بگویید مترادف علمی‌اش را پیدا کنید از کتاب‌ها، و سعی کنید هر چه را توضیح می‌دهید. جنبه علمی به آن بدهید و ببینید که بچه‌ها از آن طریق خیلی بهتر مسائل را می‌پذیرند.